دکتر پیروز مجتهدزاده در گفت‌وگوی اختصاصی با «آفتاب یزد»:

دیپلماسی‌ما خودش را محکوم به شکست می کند

بخش نخست

گفت و گو : ناصر پورحسن

اشاره :

یکی از اشتباهات پرهزینه‌ما نگرش مقطعی به مسائل است. هر از چندگاهی، یک مساله خاص به بحث روز تبدیل شده و پرونده دیگر مسائل مختومه اعلام می‌شود. اگر زیان این نگرش در مسائل داخلی کمتر ملموس باشد، در عرصه سیاست خارجی جبران‌ناپذیر خواهدبود. در همین راستاست که مساله رژیم حقوقی دریای خزر چند روزی است که پس از اقدام جمهوری آذربایجان به سوژه اصلی تبدیل شده و برطبق قاعده حاکم، به تدریج فروکش می کند تا در موضعی تدافعی بار دیگر فوران کند. ما نیز در چارچوب این پارادایم مسلط به سراغ مساله خزر رفته‌ایم و با یکی از اساتید برجسته و صاحبنظر در مسائل ژئوپلتیک به بحث و گفت‌وگو نشسته‌ایم. دکتر پیروز مجتهدزاده که از سال ۱۹۹۰ به ریاست هیات مدیره و مدیریت عامل بنیاد پژوهشی «یوروسویک» لندن رسیده و از سال ۱۹۹۵عنوان مشاور پژوهشی دانشگاه سازمان ملل را دریافت کرده و فصلی از فصول ۹ گانه نخستین کتاب دانشگاه سازمان ملل متحد را درباره ژئوپلتیک ایران در خزر و آسیای مرکزی نوشته ، در این گفت وگو را با توجه به منافع و عملکرد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای توضیح می دهد. مجتهدزاده دارای تالیفات فراوانی درباره مسائل ژئوپلتیک ایران از جمله کتاب مشهور «خلیج فارس، کشورها و مرزها» و«امنیت و مسائل سرزمین در خلیج فارس» و صدها مقاله ارائه شده در سمینارهای بین‌المللی است.

لازم به ذکر است در این گفت وگو شالوده‌شکنی شده و مسائل غیرمرتبط با خزر نیز به بحث گذاشته شده است.

گروه بین‌الملل

با اقدام جمهوری آذربایجان در دریای خزر و واکنش قاطعانه جمهوری اسلامی ایران، مساله خزر بار دیگر به بحث داغ محافل سیاسی- مطبوعاتی داخل و منطقه تبدیل شد. در طول دو هفته گذشته صدها مقاله، مصاحبه و میزگرد در این باره در ایران برگزار شد. گفت وگو را با این سوال آغاز می‌کنم که اصولا هدف و نیت جمهوری آذربایجان از فعالیت جدید تحقیقاتی آن هم در حوزه متعلق به ایران چه بود؟

اجازه بدهید پاسخ را با سوال رهبران آذربایجان در برخورد با این ماجرا آغاز کنیم . آنها پرسیدند ما پنجاه سال مشغول انجام اعمال مشابه بودیم،چگونه ایران بعد از این همه مدت دست به چنین اقدامی‌زده است؟ جواب این سوال می‌تواند ما را تاحدزیادی به چند وچون ماجرا نزدیک کند. باکو در طرح سوال مذکور به این واقعیت اصلا دقت نکرد که اقدامات مشابه براساس زورگویی‌های شوروی پیشین انجام می‌شده است. شوروی به رغم دو قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ با ایران که در آنها حق و حقوق کشور ایران دراین دریا را به رسمیت شناخته بود، عملا زورگویی می‌کرد و آنچه دلش می‌خواست انجام می‌داد. آنها علنا به حق و حقوق ما تجاوز می‌کردند، اما چون ابرقدرت جهانی محسوب می‌شد و به مراتب قوی‌تر از ایران بود، کشور ما قادر به مقابله با این زورگویی ها نبود و اگر هم مجبور به مقابله بود باید به ابرقدرت دیگر دنیاتکیه می‌کرد که در آنجا هم اطمینان کامل برای‌دفاع وجود نداشت.

ماحتی‌شاهد هستیم ایران در دهه ۱۹۵۰ در سواحل خودش در کنار خزر دست به اقدامات اکتشافی نفت زد ولی‌شوروی فشار آورد و مانع شد ایران حتی درخشکی‌خودش نفت تولید کند. به این ترتیب پنجاه سالی‌که سران آذربایجان از آن حمایت می‌کردند، پنجاه سال زورگویی و تجاوز علنی به حق و حقوق ایران بود، اما دلیل اینکه چطور ایران بعد از این همه مدت واکنش نشان می‌دهد کاملا واضح است. در شرایط فعلی یک ابرقدرت بزرگ جهانی سقوط کرده و چهار کشور دیگر جایگزین آن شده‌اند که این چهار تا ظاهرا اعضای یک خانواده بین‌المللی هستند و می‌گویند به مقررات بین‌الملل احترام می‌گذارند. در این میان ایران می‌گوید کشوری مستقل است و در دریای خزر براساس قوانین بین‌المللی حق وحقوقی دارد. جمهوری‌اسلامی ایران دیگر قادر به تحمل زورگویی‌های‌این چهار کشور کوچک جایگزین شوروی نیست و بنابراین به جمهوری‌آذربایجان یا هر کشور دیگری‌که بخواهد به این حقوق تجاوز کند اعلام می‌کند که اینجا حریم ایران است و کسی‌حق شکستن این حریم را ندارد. به عبارت دیگر اگر شوروی پنجاه سال به ایران زورگویی کرد، این زورگویی حقی برای جمهوری آذربایجان به وجود نمی‌آورد که براساس آن بخواهد چنین اقداماتی را ادامه دهد.

آنچه که در صحنه بین‌المللی می‌بینیم این است که روسیه جایگزین شوروی‌شده است نه جمهوری آذربایجان و در واقع جمهوری آذربایجان که وارث اتحاد جماهیر شوروی نیست...

باکو اینطور فرض می‌کند. فرض ما براین است که چهار کشور وارث اتحاد جماهیر شوروی در خزر هستند. روسیه، قزاقستان ترکمنستان و جمهوری آذربایجان ، اما برخورد آذربایجان به گونه‌ای است که انگار خودرا تنها وارث زورگویی‌های شوروی در این منطقه می‌داند. این تصوری است که در ذهن آنهاشکل گرفته است. البته ممکن است منکر چنین تصوری‌باشند ولی‌در عمل چنین چیزی را القا می‌کنند. بنابراین ، باکو باید چشم خود را باز کند تا ببیند وارث شوروی چهار کشور است که همه آنها به اضافه ایران حق و حقوق مشخصی در منابع وامکانات دریای خزر دارند واین حق و حقوق باید محترم شمرده شود. اگر

در معادلات جهانی ، خزر همانی نیست که امریکا برای دنیا ترسیم کرده و همه را به اشتباه انداخته است

قرار باشد کشوری به حریم دیگران تجاوز کند نمی‌شود زندگی کرد. جمهوری آذربایجان نه تنها به حقوق ما بلکه به حقوق ترکمنستان هم تجاوز کرده است که منجر به شکایت این کشور به سازمان ملل متحد شده است. آنها درمواردی روسیه را هم خشمگین کرده‌اند. بنابراین ما تنهانیستیم و همگان ازاقدامات تجاوزکارانه این جمهوری ناراحت و نگران هستند. این اقدامات شباهت زیادی به زورگویی‌های شوروی پیشین دارد و این استنباط را به وجود می‌آورد که آذربایجان خودرا به تنهایی وارث زورگویی‌های رژیم پیشین می‌داند.

فکر می‌کنم لازم است قبل از بحث در مورد جزئیات ، یک آشنایی کلی با ژئوپلتیک خزر داشته باشیم . اگر ممکن است در این باره توضیحی بفرمایید.

به طور خیلی‌خلاصه در عمل چندان خبری در خزر نیست که چنین جنجال‌هایی را موجب شود. البته به این معنی نیست که خزر برای ما اهمیت ندارد. خزر یکی از مناطق مرزی ماست و مانند همه مناطق مرزی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. به خصوص به خاطر منافع مختلف درگیر با آن اهمیتش بیشتر از شرایط معمولی است و بایددر برخورد با این مساله بسیار هوشمند باشیم . اما در معادلات جهانی، خزر همانی نیست که ایالت متحده امریکا برای دنیا ترسیم کرده و همه را به اشتباه انداخته است . البته برای‌این که اهداف خودش را پیش ببرد. ایالات متحده برای‌این که وانمود کند خزر بسیار مهم است از ابتدا اعلام کرد که در این دریا ۲۰۰ میلیارد بشکه نفت خوابیده است در حالی‌که عملیات تحقیقاتی و پژوهشی نشان داده است که نه تنها این رقم واقعیت ندارد بلکه بسیار بسیار گزاف‌تر از آن است که این منطقه امکانش را داشته باشد. درواقع آن چیزی که درشرایط فعلی به عمل نزدیک تر است ده درصد این رقم است یعنی‌حدود ۲۰ تا ۲۲ میلیارد بشکه نفت که به صورت پراکنده در این کشورها وجود دارد. ولی تخمین‌هایی در کل قضیه ۳۰ تا ۴۰ میلیارد بشکه نفت را پیش بینی می‌کند. یعنی‌حتی‌کمتر از نصف ذخایر شناخته شده نفتی ایران .

چرا امریکا دست به چنین اقدامی‌زده است ؟

امریکا پس از فروپاشی شوروی و فروپاشی نظام دو قطبی جهانی می‌خواهد یک نظام تک قطبی را در جهان شکل دهد که نام آن را نظام نوین جهانی‌گذاشته است . در این نظام کشورها در رده‌های مختلف قدرتی قرار می‌گیرند و ایالات متحده خود را در راس هرم سرنوشت‌ساز خانواده بشری فرض کرده است . امریکا معتقد است دو منطقه تامین کننده انرژی قرن بیست و یکم وجود دارد: یکی منطقه خلیج‌فارس و دیگری منطقه خزر و هر قدرتی که بر این دو منطقه کنترل ایجاد کند بر جهان کنترل ایجاد کرده است . این یک معادله ژئوپلتیک است که واشنگتن برای‌خودش ساخته است و در جهان مطرح کرده و امریکا خیلی‌ها را وادار به پذیرش این معادله کرده است و خیلی‌ها متاسفانه پا در این تله گذاشته‌اند.

ما باید خیلی مراقب باشیم که پا در این تله نگذاریم .برای عملی ساختن تصویر فرضی امریکا از وضعیت ژئوپلتیک منطقه، واشنگتن به بهانه‌های مختلف نظامیان خود را به خلیج‌فارس کشانده و در آنجا مستقر کرده‌و ظاهرا کنترل لازم در این منطقه را به دست آورده است . برای انجام عمل مشابه در دریای خزر امریکا در فکر کشاندن نیروهای ناتو به این منطقه است که مانند نیروی نظامی خودش عمل می‌کنند. البته به ظاهر منکر داشتن چنین هدفی می‌شود ولی در عمل شاهد ایجاد تشکیلاتی در خزر با عنوان «مشارکت» برای صلح هستیم که درآن همه کشورهای دریای خزر منهای ایران به اضافه ترکیه که هیچ ربطی به دریای خزر ندارد و کشوری ناتویی است شرکت دارند، رسما اعلام شده تشکیلات مذکور مقدمه‌ای برای‌شکل گیری های ناتو در این منطقه است.

دراینجا نقش دو پهلوی روسیه آشکار می‌شود. درحالی که روسیه فریاد برمی‌آورد که مخالف کشیده شدن ناتو به خزر است خودش در تشکیلات شرکت دارد. در این میان ما باید چشمان خود را باز کنیم و متوجه باشیم در این منطقه دقیقا چه می‌گذرد. پس با این حساب امریکا با استقرارنیروی نظامی در خلیج فارس و تلاش برای کشاندن ناتو به منطقه دریای خزر می‌خواهد کنترل نظامی دراین دو منطقه ایجاد کند و از این طریق کنترل نظامی جهان را به دست بگیرد. در این راه است که آنها متوسل به کذب و ریا می‌شوند و منابع نفتی منطقه را بسیار عظیم جلوه می‌دهند و کشورهای منطقه را تحریک می‌کنند تا با هم درگیر شوند. ایجاد شرایط بحرانی حضور ناتو را در این دریا توجیه می‌کند. پس در واقع مساله نفت و رژیم حقوقی دریای خزر بحران‌زا نیست. آنها بهانه‌هایی برای ایجاد بحران هستند. اگر نگاه کنید در این راستا عملکرد جمهوری آذربایجان و ترکیه را باید کاملا زیرنظر گرفت. عملکرد آذربایجان را کاملا دیدیم.سیاستی تهاجمی در بهره‌برداری از منابع دریای خزر بدون کمترین اعتنا به حقوق دیگر کشورهای منطقه که می‌تواند مبنای ایجاد بحران باشد. ترکیه و به خصوص رسانه‌های آن را ملاحظه می‌کنید که چگونه جمهوری آذربایجان و افراد آذربایجانی در خیابانها ی باکو را تحریک و تشویق به بحران‌زایی علیه ایران می‌کند. حتی دراین راه متوسل به دروغ و کذب و اخبار غیرواقع می‌شوند از جمله این که «ایران در مرزهای جمهوری آذربایجان صف‌آرایی نظامی کرده است.»اگر ما یک لحظه فکر کنیم این مسائل وجود ندارد، مشکل خزر در واقع مشکل نیست . یک مشکل تکنیکی است که با گفت‌وگوی میان تکنوکرات‌ها یا متخصصان طرفین در یک روز یا کمتر از آن حل می‌شود. این که رژیم حقوقی چگونه است دو حالت دارد: اگر مشاع است که این بحثها اصلا معنی ندارد و اگر قرار است تقسیم شود باید براساس قوانین بین‌المللی و مرزهای کشورها مساله را حل کنیم .

خزر یک دریای بسته و بزرگترین دریاچه جهان محسوب می‌شود.

تفاوت رژیم‌های حقوقی در دریاهای‌بسته و دریاهای آزاد چیست ؟

نکته مهمی وجود دارد که باید به آن توجه داشته باشیم . در بحث مقررات و قوانین بین‌المللی دریاها باید در مورد دریاها صحبت کنیم و مقوله دریاچه را وارد نکنیم. به عبارت دیگر مقررات بین‌المللی حاکم بر دریاچه‌ها وجود ندارد. چون دریاچه‌ها اغلب کوچک هستند و بین یکی دو کشور واقع شده‌اند که این کشورها بنا به توافق‌های بین خودشان از آن دریاچه استفاده می‌کنند. اغلب دریاچه‌ها هم آب‌های بی‌خاصیتی هستند که تنها می‌توانند جنبه کشتیرانی داشته باشند و ارتباطات بین کشورهای اطراف را برقرار کنند.

این دریای خزر است که بزرگترین دریاچه جهان است و از بسیاری دریاهای‌جهان وسیع‌تر و بزرگ‌تر است از جمله خلیج فارس که تقریبا نصف دریای خزر وسعت دارد. علاوه بر وسعت وعظمت ، این دریاچه منابع طبیعی فراوانی دارد که انحصاری است. مقررات بین‌المللی به دلیل اینکه این دریاچه تا حالادریاچه داخلی شوروی بود و ایران تنها همسایه شوروی در خزر محسوب می‌شد پیش‌بینی شرایط فعلی را نکرده است. دلیلی هم برای‌مقررات نبود چرا که همانگونه که قبلا ذکر شد شوروی به عنوان ابرقدرت جهانی زور فراوان داشت و می‌توانست دراین منطقه زورگویی کند و مقرراتی وجود نداشت که جلوی او را بگیرد. پس ما در شرایطی قرار گرفته‌ایم که پنج کشور همسایه دریای‌خزر باید تصمیم بگیرند که از نظر حقوقی این منطقه را دریا محسوب کنند یا دریاچه. از نظر جغرافیایی خزر یک دریاچه است و بسته است و به دریاهای دیگرراه ندارد. اما از نظر حقوقی اگر پنج کشور تصمیم بگیرند که اینجا دریاست می‌توان این وضع را پذیرفت.به هرحال انتخاب ما دوگزینه است: یا اینجا دریاچه است و پنج کشور می‌توانند یک رژیم حقوقی اختصاصی برای‌این دریاچه وضع کنند که مورد رضایت همه آنها باشد از جمله اینکه مثلا رژیم حقوقی مشاع را در این منطقه اعلام کنند که بحثی جداگانه دارد و مشکلات خاص خودش را داراست یا اینکه تصمیم بگیرند این منطقه را دریا فرض کنند و براساس مقررات بین‌المللی مربوط به دریاها به خصوص کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد رفتار شود. کنوانسیون ۱۹۸۲ تقسیم دریا بین کشورهای ساحلی را توصیه می‌کند. البته این تقسیم شرایطی دارد.

در عمل شاهد تشکیلاتی با عنوان «مشارکت برای صلح» در خزر هستیم که در آن همه کشورهای دریای‌خزر منهای ایران و به اضافه ترکیه که هیچ ربطی به خزر ندارد ، شرکت دارند. درواقع مساله نفت در رژیم حقوقی‌دریای خزر بحران زا نیست بلکه اینها بهانه‌هایی برای ایجاد بحران هستند

درمورد رژیم مشاع باید توجه داشته باشیم که در اختیار پنج کشور است که تصمیم بگیرند رژیم حقوقی را مشاع در نظر بگیرند یا خیر البته بحث برسر توافقنامه۱۹۲۱ و۱۹۴۰ و جود دارد . باید ذکر کرد اینها بحث هستند نه قراردادهایی‌که زمینه‌های‌واقعی حقوقی برای‌رژیم حقوقی در اینجا محسوب شوند به خصوص که قراردادهای مذکور هرگزاجرا نشدند و حتی‌یک روز هم نتوانستند جلوی زورگویی‌ها و تجاوزات شوروی علیه ایران را بگیرند. در ضمن هیچگونه اشاره مستقیمی به چگونگی رژیم حقوقی دریا ندارند. ولی‌به هرحال می‌توانند مبنای بحث باشند و پنج کشور را به سمت یک رژیم حقوقی مشاع در این دریا هدایت کنند.البته این بحث جای‌بررسی بسیار دارد. چون در جهان سابقه ندارد که منطقه ای مشترک بین پنج ملت مشاع اعلام شود. آن هم خزر با منابع طبیعی‌بسیار عظیم که باید مورد بهره‌برداری قرار گیرد و همچنین خطر محیط زیست که باید پنج کشور همکار ی‌کنند تا برآن فائق آیند. در بحث مشاع اداره دریا و یا منابع آن چگونگی استفاده از این منابع فوق العاده پیچیده خواهد بود. نوعی پیچیدگی که از حد فکرهم فراتر می‌رود که چگونه باید تشکیلاتی اینگونه را ایجاد کند. تشکیلاتی که عدالت را بین پنج کشور برقرار کند. این مشکل فوق العاده عظیم در مطرح شدن بحث مشاع ایجاد می‌شود.

البته این بحث به سود ایران است. به دلیل این که ایران کمترین ساحل را دارد.

امامساله تقسیم دریا براساس مقررات بین‌المللی هم مشکلات خاص خودش را دارد و به این سادگی نیست. براساس مقررات بین‌المللی نمی‌توان سراسر دریای خزر را تقسیم کرد. شکل جغرافیایی دریا و بسته بودن آن مشکلات زیادی را ایجاد می‌کند. اول این که خط مبنای تقسیم دریا کجا خواهد بود. دوم این که چون دریا بسته است تقسیم سراسری آن جایی به نام آبهای بین‌المللی باقی نمی‌گذارد که همکاری‌های منطقه‌ای در آنجا انجام شود و حضور کشورهای فرامنطقه‌ای برای کمک به حل مسائلی مثل محیط زیست غیرممکن خواهدشد. باید لاجرم در این منطقه تقسیم‌ها به گونه‌ای باشد که حضور این کشورها امکانپذیر باشد. یعنی باید حاشیه‌ای از آبهای دریا در کناره‌های کشورها به هر عمقی براساس توافق کشورها تقسیم شود و بخش میانی آن لزوما باید مشاع باشد تا در این بخش مشاع شده و همکاری‌های منطقه‌ای صورت گیرد. مثلا اگر تمام دریا را تقسیم کنیم روسیه و ایران یا قزاقستان و ایران دیگر نمی‌توانند مبادلات منطقه ای انجام دهند. چون حق عبور از ترکمنستان یا آذربایجان را ندارند و این مساله در مورد سایر کشورها نیز صحت دارد. بنابراین بخشی درمیانه دریا باید مشاع اعلام شود. این بخش لزوما همه دریا نخواهد بود. می‌تواند بدنه آبی دریا باشد درحالی که کف دریا هم مشمول قانون تقسیم بشود چون در آنجا مسائل نفت و غیره وجود دارد. ما فقط با بدنه دریا سروکار داریم. کشتیرانی مشاع، دریانوردی مشاع، همکاری برای حفظ محیط زیست و حل مساله آلودگی دریا.بنابراین رسیدن به چنین سرمنزلی نیازمند همکاری‌های بسیار زیاد و داشتن حسن نیت فراوان است. کمبود چنین چیزی از چند جهت در شرایط فعلی خودنمایی می‌کند. اولا اینکه جمهوری آذربایجان در درجه اول ، روسیه و قزاقستان در مراتب بعدی آلوده کننده محیط زیست دریای خزر هستند. جمهوری آذربایجان به دلیل اقدامات تولید نفت از دریا و انتقال آن با استفاده از دستگاه‌های کهنه پوسیده سوراخ شده‌ای که از پنجاه سال قبل باقی مانده است آب دریا را به حدخطرناکی آلوده می‌کند. روسیه و قزاقستان هم به دلیل داشتن مناطق صنعتی بزرگ که فاضلاب این مناطق به دریا وارد می‌شود آب را آلوده می‌کنند. وقتی آذربایجان در اقدامات استخراج و اکتشاف نفت تا جایی پیش می‌رود که از خط نیمه می‌گذرد و وارد حریم کشوری‌مانند ترکمنستان می‌شود معلوم می‌شود آمادگی لازم برای اعمال حسن نیت وجود ندارد. تاکشورها در سایه آن به توافق کامل برسند.

پس سیستم مشاع احتمالا عملی‌نیست و در سیستم تقسیم هم حسن نیت وجود ندارد. در این شرایط آیا ما به بن بست نمی‌رسیم ؟

بدون تردید، در بن‌بست هستیم . رفتار جمهوری آذربایجان را ببینید ! به زبان می‌گوید طرفدار تقسیم هستیم ولی در عمل اقدامات نفتی درحال توسعه انجام می‌دهد که می‌شود از آن استنباط کرد دریا را به صورت مشاع دقیقا مثل شوروی برای خودش می‌داند. در چنین شرایطی نمی‌شود به توافق و تفاهم رسید که نیازمند حسن نیت است .

حسن نیت یعنی این که هرکس حدوحدود خودش را بداند و درک کند.

درطول یک دهه گذشته ، روسیه واکنش شدیدی در قبال گسترش ناتو به شرق داشته است و حتی‌بارها برای‌مقابله با گسترش ناتو تهدید کرده است . حالا حضور این کشور در سیستم مشارکت برای صلح که بخشی از ناتو محسوب می‌شود، چگونه قابل توجیه است؟

متاسفانه فکر نمی‌کنم که بشود رفتار روسیه را توجیه کرد. جای تاسف است که روسیه به دلیل گرفتاری‌های اقتصادی گسترده در شرایطی قرار گرفته است که در عمل، حتی منافع درازمدت خود را به ثمن بخس می‌فروشد. اینکه ناتو به خزر وارد شود و امریکا منطقه را در انحصار خود نگیرد، برای کشوری مثل روسیه که ادعای ابرقدرت بودن دارد و خود را رقیب امریکا می‌داند و همچنین ادعا می‌کند که قصد دارد همراه چین و دیگر قدرت‌ها در جهان مانع از تک قطبی شدن دنیا شود از همه گرانتر تمام می‌شود. ولی ما می‌بینیم روسیه ادعاهای خود را به راحتی می‌فروشد و به جای هم پیمان شدن با ایران و کشورهای دیگر منطقه، همکاری‌های خاصی با ابرقدرت‌ها انجام می‌دهد و در واقع تمام منافع خود را فدای امتیازهای کوچک امریکا می‌کند و این امتیازات اکثرا موقت و پیش پا افتاده هستند. در موارد مختلف شاهد هستیم که تا امریکا طرحی جهانی را آغاز می‌کند روسیه بلافاصله مخالفت می‌کند. ولی بعد از یکی دو نشست بین رئیس جمهور روسیه و همتای امریکایی‌اش، توافقاتی حاصل می‌شود و روسیه حرف خودش را پس می‌گیرد یا اینکه در شرایطی قرار می‌گیرد که بازی‌های دوپهلو انجام می‌دهد و این سبب تاسف است. مثلا در رژیم حقوقی دریای خزر، مشاهده کنید که روسیه قبل از همه بحث مشاع بودن را مطرح کرد و روسیه بود که بر قراردادهای۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ پافشاری می‌کرد و معتقد بود این قراردادها رژیم حقوقی در دریای خزر را مشاع اعلام کرده‌اند. بعد از روسیه ایران پیگیر این قضیه شد، ولی در نهایت در دیداری با رهبران امریکا، روسیه در شرایطی قرار گرفت که با قزاقستان قراردادهایی برای تقسیم دریا امضا کرد. همچنین با آذربایجان، یعنی در عمل حرف خودش را پس گرفت.

جمهوری آذربایجان به گونه‌ای عمل می کند که انگار تنها وارث شوروی در منطقه است

روسیه در قبال مساله نظامی شدن دریای خزر هم همین گونه عمل می‌کند. به محض اینکه از علائمی صحبت شد که ناتو به سمت شرق و خزر گسترش می‌یابد روسیه فریاد زد که اجازه چنین کاری داده نمی‌شود و ناتو نمی‌تواند به سمت شرق و دریای خزر تجاوز کند. ولی با یکی دو ملاقات و یکی دو امتیاز از نظر وام گرفتن از ایالات متحده یا بانک جهانی یا موسسات تحت کنترل و نفوذ این کشور موضع خود را عوض کرد و قبول کرد چنین گسترشی عملی شود. در حالی که هنوز هم به صورت زبانی اعتراض می‌کنند. یعنی روسیه می‌پذیرد عضوی از طرح مشارکت برای صلح باشد که مقدمه‌ای برای نفوذ ناتو به منطقه است و در همان حال به حضور نیروهای ناتو در منطقه اعتراض می‌کند. به این دلیل تذکر داده می‌شود که در همکاری و رفاقت با روسیه باید با دقت وارد شویم تا مبادا خود را در شرایطی قرار دهیم که روسیه ما را هم به ثمن بخس بفروشد. البته نباید از روسیه بگریزیم و به آن پشت کنیم بلکه باید یک دیپلماسی بسیار نیرومند و ورزیده داشته باشیم نه دیپلماسی فعلی در شمال کشور که به زحمت می‌شود آن را از نقطه صفر فراتر فرض کرد. یک دیپلماسی فوق‌العاده که روسیه را در مقابل گفته‌هایش مسوول قرار دهد و هر آن این مسوولیت را پیگیری کند.همکاری دوجانب دارد یعنی‌فرد دیگری وجود دارد که حق و حقوق او را نباید به راحتی فروخت . در سیاست بحث تعارف نیست و همچنین بحث ارباب رعیتی نیست که هرچه ارباب گفت ، رعیت بپذیرد. وقتی می‌گویید همکاری یعنی دوطرف مساوی‌و برابر . وقتی می‌خواهید با یکی‌از دو طرف هم ارزش باشید باید یک دیپلماسی ورزیده و قوی داشته باشید که بتواند موقعیت را حفظ کندو از آن دفاع کند.

تازه های‌بین الملل

نام کتاب: خلیج فارس ، کشورها و مرزها

مولف: دکتر پیروز مجتهدزاده

موسسه انتشارات عطایی

مهمترین مطالب این کتاب عبارتند از:

جغرافیای خلیج فارس و تنگه هرمز - نام خلیج فارس در درازای تاریخ -ایرانیان در خلیج فارس -استراتژی انگلیسی «فارسی زدایی‌خلیج فارس»- جهان دگرگون شونده ژئوپولتیک و خلیج فارس -اتحادیه‌های منطقه‌ای در خلیج فارس - مرزهای دریایی‌در خلیج فارس - نگاهی به مساله جزایر تنب و ابوموسی و کشورها و مرزها در منطقه خلیج فارس.